



A Critique of the Orientalists' Typology on Meccan and Medinan Nature of Quranic Verses and Surahs *

Zohra Akhavan_Moqaddam¹ and Ahmad Nouri²

Abstract



The Quran, as the most significant religious source for Muslims, has consistently been the focal point of attention, and from ancient times until now, numerous efforts have been made by Muslim and non-Muslim scholars to comprehend it. One of the crucial aspects regarding the Quran is its gradual revelation over the course of 23 years of the Prophet's mission, taking into account the exigencies of time and place, which further enriches its understanding. An important topic that has been discussed in Quranic studies from the time of the companions of the Prophet to the present day is the classification of Meccan and Medinan verses and surahs, which influences the approach to analyzing and interpreting the verses. The present research employs a descriptive-analytical methodology, and after presenting the viewpoints of Muslim scholars regarding the Meccan and Medinan nature of Quranic verses and surahs, it examines and critiques the opinions of Orientalist scholars in this regard, followed by a typology of their perspectives. Based on the findings of this study, the collection of opinions concerning the Meccan and Medinan nature of Quranic verses and surahs falls into five typological categories: Goldziher's dual perspective; Lamens and Nöldeke's tripartite perspective; Gustav Weil, Rodwell, and Blachère's four-part perspective; William Muir's six-part perspective; and the thematic classification by Richard Bell and Herschfeld. Notably, despite the significant variations in categorizing Meccan verses, ranging from one to five categories, Orientalists exhibited unanimity in considering the Medinan verses and surahs as a singular group, without discord, thus treating the Medinan section as a unified entity.

Keywords: Quranic Exegesis, Meccan and Medinan, Orientalists, Abrogation Theory, Revelation Methodology.

*. **Date of receiving:** 26 November 2022 ; **Date of correction:** 13 December 2022; **Date of approval:** 21 June 2023.

1. Associate Professor and Faculty Member at the University of Sciences and Arts of the Quran, Tehran, Iran (Corresponding Author); (akhavan.mo@quran.ac.ir)

2. Master's Graduate in Quran and Hadith Sciences, Discipline of Quranic Sciences and Arts, Tehran, Iran; (ahmad.nouri6055@gmail.com).



نقد گونه‌شناسی خاورشناسان در مکی و مدنی بودن آیات و سور قرآن*

زهرة اخوان مقدم^۱ و احمد نوری^۲



چکیده

قرآن به عنوان مهمترین منبع دینی مسلمانان همواره کانون توجه بوده و از دیرباز تاکنون برای فهم آن توسط دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان تلاش‌های بسیاری انجام شده است. از نکات مهم در خصوص قرآن، نزول تدریجی آن در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر ﷺ با توجه به مقتضیات زمان و مکان نزول آن است که همین مسئله بر چگونگی فهم آن می‌افزاید. یکی از مباحث مهمی که از دوران صحابه تا به امروز در مجامع قرآن پژوه مطرح بوده، موضوع مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌های قرآن است که در نحوه تحلیل و تفسیر آیات اثر دارد. روش پردازش مطالب در پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی است و پس از مطرح کردن دیدگاه دانشمندان مسلمان در خصوص مکی و مدنی بودن آیات و سور قرآن، بررسی و نقد نظرات خاورشناسان قرآن پژوه خواهد آمد و سپس گونه‌شناسی نظرات ایشان ارائه می‌شود. طبق دستاوردهای این پژوهش مجموعه نظرات پیرامون مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌های قرآن کریم در پنج دسته گونه‌شناسی جای می‌گیرد: دیدگاه دوگانه گلدتسیهر؛ دیدگاه سه‌گانه لامنس و نویورث، دیدگاه چهاربخشی گوستاو وایل و نولدکه و رود ویل و بلاشر؛ دیدگاه شش‌بخشی ویلیام مولر، و دسته‌بندی محتوایی ریچارد بل و هرشفیلد. قابل توجه آنکه علی‌رغم تفاوت‌های بسیار در دسته‌بندی آیات بخش مکی، از یک بخش تا پنج بخش، خاورشناسان در یگانگی آیات و سوره‌های مدنی اختلافی نداشتند و همگی ایشان بخش مدنی را صرفاً یک گروه در نظر گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: تفسیر قرآن، مکی و مدنی، مستشرقان، نظریه توقیفی، روش تنزیلی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و فنون قرآن کریم، تهران، «نویسنده مسئول»: akhavan.mo@quran.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم و فنون قرآن، تهران: ahmad.nouri6055@gmail.com



۱. مقدمه

قرآن کریم به‌عنوان کتاب اصلی مسلمانان مهمترین منبع دینی ایشان است و از دیرباز تاکنون مسئله فهم این کتاب میان دانشمندان مختلف مطرح بود. بدین منظور علوم مختلفی را ایجاد کردند و توجه افراد به ابعاد مختلفی از آن جلب گردیده است. یکی از مسائلی که از دیرباز تاکنون محل بحث دانشمندان مختلف بوده، موضوع آیات و سوره‌های مکی و مدنی است. در اهمیت این موضوع همین بس که دانشمندانی چون ابوالقاسم نیشابوری کسانی که در زمینه مکی و مدنی اطلاعات ندارند را از ورود به حوزه تفسیر برحذر داشته است (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶: ۱/۱۹۲). اصطلاح مکی و مدنی توسط پیامبر اکرم ﷺ وضع نگردید؛ بلکه بعدها توسط عالمان مسلمان ایجاد شد (حکیم، علوم القرآن، ۱۴۰۳: ۴۴). بدین سبب میان ایشان در نحوه تعریف و تمایز میان مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها شاهد اختلاف هستیم. عموم تعاریف دانشمندان مسلمان بر سه محور خطاب، زمان و مکان پایه‌گذاری شده است که در ادامه ذکر خواهد شد.

الف. خطاب

زرکشی ادعا می‌کند آیات مکی آن دسته از آیات اند که خطاب به اهل مکه باشند، و آیات مدنی نیز آیاتی اند که خطاب به اهالی مدینه باشند (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶: ۱/۱۸۷). در نقد این تعریف می‌توان آیاتی را ذکر کرد که دارای خطاب «ایها الناس»، «بنی آدم»، «ایها النبی» و... هستند و اساساً خارج از این دسته‌بندی تعریف می‌شوند.

ب. مکان

آیه مکی آن آیه‌ای است که در مکه نازل شده و آیه مدنی آن آیه‌ای است که در مدینه نازل شده است. البته مراد از مکه حوالی آن چون منی، حدیبیه و... نیز هست و حوالی مدینه چون بدر، احد و... نیز جزو مدینه هستند (همان: ۱/۱۸۷). در انتقاد از این تعریف باید گفت که وضعیت آن دسته از آیاتی که در سفر خارج از مکه و مدینه بر پیامبر نازل شده، چه می‌شود.

ج. زمان

آیه مکی آیه‌ای است که قبل از هجرت به مدینه نازل شده و آیه مدنی آیه‌ای است که بعد از هجرت نازل شده است. نکته درخور توجه آنکه در این تعریف مسئله مکان دیگر مطرح نیست و صرفاً از منظر زمانی آیات را دو دسته می‌کنند (همان: ۱/۱۸۷). این تعریفی کامل است و تمامی آیات را شامل می‌شود، لذا نمی‌توان بر آن نقدی وارد کرد. این تعریف معمولاً در میان دانشمندان مسلمان متداول است و دلیلش همان جامعیت و مانعیت آن است (حکیم، علوم القرآن، ۱۴۰۳: ۴۴).



در منابع روایی مسلمانان دسته‌ای از روایات وجود دارد که در خصوص مکی یا مدنی بودن سوره‌های قرآن کریم اظهار نظر کرده‌اند؛ البته به تبع حدیث بودن آن اطلاعات بعضاً شاهد ضعیف‌هایی در آنها هستیم؛ اما با این وجود تمامی این روایات منبع اصلی دانشمندان مسلمان برای تقسیم آیات و سوره‌ها به مکی یا مدنی بوده است. بعضاً در میان این تقسیمات شاهد گروهی از آیات و سوره‌ها هستیم که نامعلوم یا مشترک میان مکی و مدنی هستند که آنها از همان ابتدا مورد بحث دانشمندان مسلمان بوده‌اند؛ لذا بدین سبب سیوطی فصلی را به همین سوره‌های اختلافی اختصاص داده است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، بی تا: ۱۹/۱).

پرداختن به مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌های قرآن نیز فوایدی دارد از جمله اینکه، ناسخ و منسوخ مشخص می‌شوند (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶: ۱/۱۸۷)، مخصص از مخصص تمییز داده می‌شود، البته اگر قائل به تقدم مخصص باشیم (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، بی تا: ۱/۳۶)، تاریخ حدودی تشریح قوانین اسلامی و سیر تدریجی آنها مشخص می‌شود (زرقانی، مناهل العرفان، ۱۴۱۷: ۱/۱۹۶)، سبب شناخت مراحل و سیر دعوت پیامبر و الگو برداری از آن می‌گردد (حکیم، علوم القرآن، ۱۴۰۳: ۴۵) و... بنابراین پرداختن به این مسئله با توجه به نتایج و فوایدی که دارد، امری مهم و موکد است.

از پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه می‌توان به مقاله «نقدی بر ادعای تعارض آیات مکی و مدنی از نظر موضوع دعوت»، نگاشته علی اکبر ربیع نتاج اشاره کرد که در آن روش گلدزیه‌ر بررسی شده است. همچنین مقاله «بررسی رویکردهای خاورشناسان پیرامون مکی و مدنی»، نگاشته رضا حق‌پناه و مصطفی احمدی فر نیز هست که نظریه سه خاورشناس را به صورت کوتاه و مختصر پیرامون آیات و سوره مکی و مدنی بررسی کرده است. بنابر آنچه گذشت تحقیقات مستقل و مفصلی درباره رویکرد مستشرقان پیرامون آیات و سوره مکی و مدنی انجام نشده است. بنابراین پژوهش حاضر از این جهت بی سابقه است.

در نوشتار حاضر به دنبال پاسخگویی به مسائل ذیل هستیم:

۱. دیدگاه‌های مستشرقان پیرامون مکی و مدنی بودن آیات و سوره قرآن چیست و چه نقدهایی بر آن وارد است؟
۲. خاستگاه و آراء مستشرقان پیرامون آیات و سوره مکی و مدنی قرآن کریم چیست؟
۳. نتایج تحقیقات مستشرقان تا چه اندازه معتبر و مستند است و با روایات و منابع معتبر تاریخی سازگاری دارد؟



۲. گونه‌شناسی و نقد نظرات خاورشناسان پیرامون مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌ها

پس از آنکه با اهمیت موضوع مکی و مدنی در فهم آیات قرآن کریم و نظر دانشمندان مسلمان در این حوزه آشنا شدیم، جای دارد تا در ابتدا نظرات برخی از خاورشناسان را که در این حوزه به ارائه نظر پرداخته‌اند بیان کرده، در نهایت نقد کنیم. همچنین با گونه‌شناسی نظرات ایشان می‌توان درک عمیق‌تری از نحوه نگرش ایشان و نقطه تمرکز نظرات خاورشناسان را نسبت به مکی یا مدنی بودن قرآن کریم داشته باشیم. در ادامه با نظرات ده تن از خاورشناسان آشنا خواهیم شد که در پنج گونه مختلف دسته‌بندی شده‌اند.

یکم. تقسیم دوگانه مکی و مدنی

جمعی از خاورشناسان مشابه آن چیزی که دانشمندان مسلمان بدان قائلند، صرفاً تقسیم‌بندی دوگانه مکی و مدنی که نقطه عطف و تمایز آن هجرت از مکه به مدینه است را ملاک نظر خود قرار می‌دهند.

الف. دیدگاه ایگناس گلدزیهر (Ignaz goldziher) و نقد آن

در منظر گلدستیهر تحولی که در طبیعت و سرشت اندیشه پیامبر اکرم ﷺ در مدینه ایجاد شد، در اسلوب و سبک قرآن تأثیر گذاشت؛ زیرا آیاتی که در مکه نازل می‌شدند، کوتاه و کوبنده و از سجع شعری برخوردار بودند؛ اما در آیات مدنی این چنین خصوصیتی مشاهده نمی‌شود، به طوری که بلاغت آن کم‌رنگ گردید و در آن سستی و رخوت پدیدار گشت و بلاغت وحی در سطح پایین‌تری قرار گرفت، تا آنجا که گاه با نثر عادی هم‌سطح شد (گلدستیهر، العقیده و الشریعة فی الاسلام، ۱۹۴۶: ۱۴).

در مقام نقد می‌توان اظهار داشت که تنها سوره‌های مکی ویژگی وعید و تهدید و لحن کوبنده را ندارند؛ بلکه در بسیاری از سوره‌های مدنی نیز متناسب با مخاطبان خود تهدید به کار رفته است. اگر مخاطبان در مدینه، همانند مخاطبان در مکه، افراد مقاوم و سرسخت و حق‌ناپذیر بودند، لحن قرآن با آنان تند و با شدت بوده است (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۸۵: ۵۳-۵۴).

گلدستیهر مانند سایر مستشرقان، قرآن را تابع و متأثر از محیط و جو حاکم بر منطقه دانسته و به آن چندان جنبه ثابت الهی نداده؛ اما فرق است میان آنکه محیط بر وی تأثیر گذارد و او را دنبال خود بکشد، با آنکه او خود را با محیط هم‌آهنگ سازد تا عوامل مؤثر در آن را شناخته و بتواند بر آن تأثیر گذارد (گلدستیهر، العقیده و الشریعة فی الاسلام، ۱۹۴۶: ۵۲).



گلدستیه می‌پندارد که آیات و سوره‌های مکی و مدنی در تعارض اند، آن زمانی که پیامبر اکرم ﷺ در مکه زندگی می‌کرد آیاتی کوتاه و کوبنده و مسجع نازل می‌شد؛ اما در مدینه آرام‌آرام طول آیات به درازا می‌کشید و شکل مسجع خود را از دست داده، به نثر عادی تبدیل می‌شود و حاوی احکام و آداب است. در حالی که مقولاتی چون دعوت به توحید و اقرار به نبوت و دعوت به اقامه نماز و ادای زکات، آن هم به نحو اختیاری و نه اجباری، و روزه و حج هم در آیات مکی و هم در آیات مدنی به چشم می‌خورد، لذا به نحو کلی این ادعا صحیح نیست.

دوم. تقسیم‌بندی سه بخشی، دو گروه مکی و یک گروه مدنی

از منظر برخی خاورشناسان آیات قرآن کریم را می‌توان در دو مرحله مکی و یک مرحله مدنی مدنظر قرارداد که در ادامه به تفصیل بدان پرداخته خواهد شد.

الف. دیدگاه هنری لامنس (hanry lammens) و نقد آن

هنری لامنس آیات و سوره‌های قرآن کریم را در سه گروه تقسیم‌بندی می‌کند:

یک. سوره‌های مکی پیش از فترت: از مهم‌ترین ویژگی‌های سوره‌های مکی پیش از فترت، اختصار در اسلوب، کوتاه سوره‌ها و آیات مقطعه است و در ادامه می‌توان گفت که کاربرد یک جمله مفهوم کاملی را نمی‌رساند، بدین ترتیب باید برای دستیابی به معنای کامل چند جمله واحد را کنار هم قرار داد. همچنین این دسته از سوره‌ها از لحاظ نوع بیان و زبان عربی با اسلوب عربی کهن شباهت دارند. در این آیات فضای دهشتناک و غم‌آلود قیامت مطرح می‌شود، همچنین این نوع از آیات قرآن، با سوگندهایی که غالباً به پدیده‌های طبیعی مانند آسمان، ستارگان، کوه‌ها، درخت‌ها و... اشاره دارد، همراه است (Lammens, Lislam, croyances et institution, 1943, 40-50).

دو. سوره‌های مکی پس از فترت: در این بخش اساطیر انجیلی ذکر می‌شود، اسطوره‌هایی که حاکی از انقلاب درونی پیامبر اکرم در آغاز دعوتش و دشواری‌هایی هستند که در این راه کشیده است. در این آیات موضوعاتی مانند داستان پیامبران گذشته و مسیر هدایتی آن‌ها و سرنوشت افرادی که آنان را تکذیب می‌کردند به کثرت دیده می‌شود. نکته بعد استفاده از عبارت «یا ایها الناس» در این سوره‌هاست که نشان‌دهنده این است که رسالت پیامبر اعظم ﷺ با نیازهای عرب و مقتضای احوال آنان تطابق داشته است؛ زیرا آن حضرت رابطه خوبی با افراد نصرانی و یهودی داشت (Ibid, P. 51-65).



سه. آیات و سوره‌های مدنی: سبک بیانی این دسته به نثر عادی نزدیک است و فاقد نثر قدیمی عرب است. این مورد در آیاتی که برای امور تشریحی اختصاص یافته است، کاملاً مشاهده می‌شود. نثر سوره‌های مدنی به دور از سجع بوده و از سوره‌های مکی نغمه بیشتری دارد. در سوره‌های مدنی، وحدت موضوعی در سوره به وضوح دیده می‌شود و از موضوعاتی چون احکام دینی، دنیوی و جنایی یاد می‌شود؛ چراکه هجرت حضرت رسول به مدینه، منظره گسترده‌ای از احکام را به نمایش گذاشته است؛ دلیل این امر بیسواد بودن مردم مکه است که سوره‌های مربوط به آن دوران از علوم و معارف شریعت تهی است؛ اما در مقابل، مردمان مدینه که نسبت به مردم مکه، علم و تمدن بیشتری داشتند و به همین دلیل آیات و سوره‌های مدنی، سرشار از احکام شریعت است، در صورتی که آیات و سوره‌های مکی، خالی از قوانین دینی است. اخلاقیات نیز در سوره‌های مدنی، جایگاه ویژه و بارزی دارد (Ibid, P. 70-80).
در مقام انتقاد از گفته‌های لامنس می‌توان گفت.

۱. در سوره مکی، سوره‌های بلندی مانند سوره انعام و در میان سوره‌های مدنی، سوره‌های کوتاه مثل «سوره نصر» به چشم می‌خورد.

۲. هر شخص که بهره‌ای از بلاغت برده باشد، به پیوند میان اجزای قرآن پی می‌برد و درک می‌کند که کوتاهی سوره‌های مکی و بلندی سوره‌های مدنی باعث عدم پیوند اجزای قرآن نمی‌شود.
۳. کوتاه سوره‌های مکی ربطی به ضعیف بودن قدرت اجتماعی مکه ندارد؛ بلکه این کوتاه، از مقوله اختصار و ایجاز است و همچنین دانشمندان علم بلاغت اذعان داشتند که ایجاز اختصار، نهایت بلاغت است و ایجاز نشان دهنده فهم و تیزهوشی مخاطب و رشد و کمال اوست (زرقانی، مناهل العرفان، ۱۴۱۷: ۲۶۸-۲۸۰).

۴. خلاف آن چیزی که لامنس مطرح می‌کند، آیات و سوره‌های مکی به‌طور مطلق، خالی از قانون‌گذاری و وضع احکام نیست؛ بلکه در جای‌جای برخی از سوره‌های مکی شاهد احکام تشریحی چون نماز، حج و... هستیم.

۵. کثرت احکام و قوانین در مدینه نیز آنچنان که لامنس مطرح می‌کند ناشی از داناتر و متمدن‌تر بودن اهالی مدینه نسبت به مکه نیست؛ بلکه سبب آن حفظ تقدم امور است. آن حضرت ابتدا باید قلوب مردم را از هرگونه آلودگی و شرک و بیگانگی از خداوند پاک گرداند، سپس آنان را با ایمان به پروردگار و توحید و یکتاپرستی آشنا گرداند و در مرحله بعد، احکام دینی و قوانین شریعت را برای آنها تشریح کند (همان: ۲۷۱).

ب. دیدگاه آنجلسیکا نیویرث (Angelika Neuwirth) و نقد آن

آنجلسیکا نیویرث آیات و سوره‌های قرآن کریم را به سه دسته مکی اولیه، مکی متأخر و مدنی تقسیم‌بندی کرده است که در ادامه به تبیین و بررسی دیدگاه او پرداخته می‌شود.

یک. آیات و سوره‌های مکی اولیه

سوره‌های مکی اولیه از شیوه نگارش ساحران پیش از اسلام پیروی کرده‌اند. این شیوه نگارش «سجع» نامیده می‌شود و از واحدهای کوچک با ریتم رسا تشکیل می‌شوند. این هماهنگی بین آخر آیات (فاصله‌ها) گرچه به استحکام قافیه‌بندی شعری نیست، ولی دارای قابلیت انعطاف بیشتری است. در نتیجه، این انعطاف‌پذیری آیات با شباهت‌های معنایی می‌توانند با یک ریتم مخصوص به خود، بیان‌گردیده و کاملاً از یک مجموعه آیات دیگر جدا شوند. از دیگر مشخصات این دسته استفاده از سوگندهایی پی‌درپی، سوگند دادن به عناصر بهشتی و رعد و برق و گروه‌های مهاجم دشمنی است که همه این موارد به پدیده‌هایی مربوط هستند؛ سوگندهایی که مکان‌های مقدس - شامل حرم‌ها و مکان‌های مقدس یکتاپرستان-، زمان‌های مقدس و زمان‌های برپایی نماز از دوران پیش از اسلام داده می‌شود.

سوره‌های اولیه دیگری نیز وجود دارند که با حالت رسمی و آرام خود به سروده‌های روحانی مسیحی و یا اقتباس‌هایی از مزامیر شباهت دارد و نه به شعائر کافران کاهنان. البته آنچه این دوروش بیان به صورت مشترک دارند، طول کوتاه آیات آن‌هاست که متجاوز از یک جمله کامل نحوی نیست. در سوره‌هایی که به روش کافران گفته شده است، جملات عموماً مبهم هستند و در نتیجه در آنان بر غریب و ناشناختگی‌ای که در یک ارتباط فوق بشری وجود دارد، تاکید می‌شود (Neuwirth, "Sura" in j. d. (McAuliff, 2006, 168-172).

دو. آیات و سوره‌های مکی متأخر

در این دوره فضای بارزتری را در برابر شنونده ایجاد می‌کند و آن‌ها را از فضای اطراف خود به سرزمین‌های مقدس دور، آن جایی که داستان‌های نیازهای معنوی جوامع بشری رخ داده‌اند، منتقل می‌کنند (Ibid, 173).

سه. آیات و سوره‌های مدنی

این دسته از آیات و سوره‌ها در دو گروه قرار می‌گیرند: گروهی که پیچیدگی کمتری دارند که دارای محتوای نصیحت‌گونه هستند و معمولاً با خطاب مستقیم «یا ایها الناس» اعضای جامعه را مورد خطاب قرار می‌دهند، برخی دیگر نیز با خطاب «یا ایها النبی» دستور مستقیمی به خود پیامبر اکرم بیان



می‌کنند؛ در مقابل گروهی دیگر پیچیدگی و دشواری بسیار دارند که بیشتر سوره‌های طولانی قرآن که ساختار نامنظمی دارند در این دسته قرار می‌گیرند، و به نظر می‌رسد این ساختار نامنظم، نتیجه فرایند جمع‌آوری قرآن است که ما قادر به بازسازی آن نیستیم (Ibid, 174).

در مقام انتقاد از نظریه نویورت می‌توان این‌گونه اظهار بیان کرد که:

۱. او همانند سایر مستشرقان آیات و سوره‌های دوران مکی را برگرفته از سخنان کاهنان و شاعران دانسته و وجود سجع در این دوره را معیاری برای تشخیص سوره‌های مکی می‌داند؛ اما تشبیه سخن قرآن به سخن کاهنان نادرست است؛ زیرا در سخنان کاهنان، پیچیدگی و گنگی و نامفهوم‌بودن و کلمات باطل و نامأنوس دیده می‌شود، حال آنکه در قرآن کریم هیچ‌یک از این نقص‌ها و عیب‌ها وجود ندارد و مطالب آن عالی و موافق عقل و فطرت و علم است و با فصاحت و بلاغت تمام بیان شده است و صدها سال است که بشریت را به هماوردی فراخوانده است، ولی کسی نتوانسته مثل آن را بیاورد.

۲. او به کاررفتن سجع را نشانه‌ای بر مکی بودن آیات و سوره‌ها می‌داند، حال آنکه اولاً: اگر دلیل وی برای این مدعا روایات حوزه ترتیب نزول هست که نمایانگر فزونی سجع سوره‌ها به سبب پیشرفت نبوت پیامبر اکرم به صورت موضعی (نه فراگیر) است. ثانیاً: کاربرد سجع ربطی به سوره‌های مکی یا اوایل دوران مکه ندارد؛ بلکه در تمام قرآن برحسب نیاز استفاده شده است (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۵: ۲۸).

۳. اصولاً تغییر لحن و مطالب سوره‌های قرآن در مکه و مدینه به خاطر آن است که مخاطب و محیط و اقتضائات زمان نزول آنها متفاوت بود؛ نه اینکه قرآن تابع مخاطب و محیط و زمان باشد؛ بلکه بدان معنا که هر شخص فصیح، بلیغ و حکیم هنگام سخن گفتن این امور را مراعات می‌کند.

سوم. دسته‌بندی چهاربخشی، سه گروه مکی و یک مدنی

گروهی از خاورشناسان حسب سیره زندگانی پیامبر اکرم ﷺ نزول قرآن را در سه گروه مکی و یک گروه مدنی دسته‌بندی می‌کنند که در ادامه با ایشان آشنا می‌شویم.

الف. دیدگاه گوستاو وایل (Gustave weill) و نقد آن

گوستاو وایل در کتاب «مقدمه تاریخی _ انتقادی بر قرآن» (Historisch-kritische Einleitung in der Koran) در خصوص جمع قرآن و ترتیب‌بندی آیات و سوره‌های آن به بحث و بررسی پرداخته است و برای تعیین مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها سه شاخص ارائه کرده است:



۱. توجه به دیگر منابع تاریخی برای دستیابی به رخدادهای زمان نزول؛
۲. آیاتی که وظایف پیامبر اکرم ﷺ را گوشزد می‌کند؛
۳. سبک خاص آیات از منظر لحن، آهنگ، نثر و سجع عبارات (Weill, Historisch_kritische).
(Einleitung in dem Koran, 1844, 155-157).

بر اساس ملاک‌های ارائه‌شده، سوره‌های قرآن به چهار دسته تقسیم می‌شوند: سه دسته مکی و یک دسته مدنی که به شرح ذیل هستند:

۱. از بعثت پیامبر تا هجرت مسلمانان به حبشه (حدود سال ۶۱۵ میلادی)؛
۲. از حبشه تا بازگشت از طائف (حدود سال ۶۲۰ میلادی)؛
۳. از طائف تا هجرت به مدینه (برابر با سپتامبر ۶۲۲ میلادی).
۴. پس از هجرت تا پایان عمر پیامبر (Ibid, PP.157-158)

در مقام نقد نظریه گوستاو وایل می‌توان گفت که، او صرفاً سوره‌های مکی را مسجع دانسته؛ اما هیچ دلیلی برای اتخاذ این مبنا ارائه نکرده است. علاوه بر آن، مسجع بودن آیات نیز اختصاصی به آیات مکی ندارد؛ چراکه در تمامی سوره‌های قرآن به فراخور فضا از این امر استفاده شده است (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۵: ۷۴). همچنین او آیات هر سوره را حسب طول آنها دسته‌بندی کرده؛ یعنی هرچه به اواخر رسالت نبوی نزدیک می‌شود، طول آیات در سوره نیز افزایش می‌یابد؛ در صورتی که هیچ رابطه‌ای میان کوتاهی آیات یک سوره با مکی یا مدنی بودن آن و یا تخصیص آن به نخستین مرحله از دوران وحی مکی نیست، و موارد نقض بسیاری برای آن مطرح است؛ به‌عنوان مثال، سوره‌هایی با آیات بلند همچون سوره انعام در مکه نازل شده است (زرقانی، مناهل العرفان، ۱۴۱۷، ۲۰۹).

ب. دیدگاه تئودور نولدکه و نقد آن

تئودور نولدکه در کتاب «تاریخ قرآن» خود همچون «گوستاو وایل» سوره‌های قرآنی را، به چهار دسته - سه دسته مکی و یک دسته مدنی - تقسیم کرده است. او دلیل این تفاوت را تغییر در موقعیت و شخصیت روان‌شناختی پیامبر ﷺ در دوره‌های مختلف می‌داند. در ادامه به دلیل اهمیت موضوع و کلیدی بودن نقش نولدکه، به اختصار ویژگی‌های هر گروه از آیات و سوره‌ها را از منظر وی ذکر می‌کنیم:

الف. مرحله اول آیات و سوره‌های مکی

در این دوران به سبب هیجان شدید پیامبر، واژگان بی‌اختیار و بدون گزینش از آن حضرت صادر می‌شده. این بخش از قرآن کریم یادآور غیب‌گویی و پیش‌گویی‌های کاهنان است (نمونه‌هایی از این پیشگویی‌ها امروزه در دسترس است؛ Noldeke, the koran, the origins of the koran, 1998, pp 50-51).



ب. مرحله دوم آیات و سوره‌های مکی

در این دوره، اضطراب و تخیل کاهش می‌یابد، آهنگ آیات به نثر نزدیک شده و طول آیات افزوده می‌شود؛ اما هنوز لحن آیات حاکی از هیجان است. شاهد بروز بسیار زیاد سوگندها و کاربرد مکرر «قل» در آیات (با هدف اعلان پیامی خاص به مردم توسط پیامبر) هستیم. نکته دیگر آنکه از خداوند متعال با تعبیر الرحمن یاد می‌شود (Ibid, P.52).

ج. مرحله سوم آیات و سوره‌های مکی

در این مرحله سوره‌ها کاملاً حالت نثر به خود گرفته‌اند، البته هنوز برخی آیات به صورت قافیه‌مند و با «ون» و «ین» به پایان می‌رسند. حالت خطاب بر آیات غلبه یافته و کلمات تخیلی کمتر به کار می‌رود. حجم سوره‌ها و طول آیات افزایش یافته است. ناراحتی پیامبر نسبت به هم‌قبیله‌ای‌هایش به خاطر مخالفت ایشان با پیام الهی به چشم می‌خورد (Ibid, P.53).

د. آیات و سوره‌های مدنی

میان این دسته از آیات و سوره‌ها با دسته پیشین شباهت بسیار است. این دسته از سوره‌ها که نشان‌دهنده قدرت سیاسی پیامبر و تشکیل هویت اجتماعی جامعه مسلمان هستند، آن حضرت را به‌عنوان رهبری نام‌آشنا در عرصه دین و حکومت جامعه مدینه معرفی می‌کنند؛ به‌همین سبب در این دسته از آیات شاهد قوانین ارث، طلاق و ازدواج، احکام قضایی و کیفری، مقرراتی در خصوص آداب و مراسم گوناگون، آیات دعوت به جهاد و توصیه‌هایی برای رفع معضلات روزمره جامعه بود. قسمت بسیار زیادی از آیات این بخش نیز در مذمت قبایل یهودی نازل شده‌اند (Ibid, P.53).

در مقام نقد دیدگاه تنودور نولدکه می‌توان گفت که:

۱. او مدعی است که تفاوت در وحی به سبب تغییر روان‌شناختی پیامبر اسلام ﷺ هست. این نظر صحیح نیست؛ چراکه اولاً این‌گونه نبوده که تجربه و حیانی پیامبر به سبب تکرر و استمرار وحی طولانی‌تر شده باشد تا رشد طول سوره‌ها از همین رهگذر قابل اثبات گردد. ثانیاً خداوند نیز بر اساس نیازهای اجتماعی زمانه، طول سوره‌ها را مشخص کرده است، نه آنکه وحی پیرو احوالات شخصی پیامبر باشد؛ چراکه آن حضرت صرفاً منتقل‌کننده وحی بوده است؛ لذا هیچ‌گونه حقی دخل و تصرف نداشته است (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۵: ۸۰).

۲. نولدکه کاربرد سوگند در عناوین و آیات نخستین سوره‌ها را نمایانگر تعلق آنها به عصر میانی وحی مکی دانسته است، حال آنکه در آیات نخستین سوره‌های دیگر نیز شاهد بروز سوگند هستیم، همچون سوره عصر، ذاریات و... نکته جالب آنکه تعداد این سوره‌ها بیشتر از سوره‌هایی است که جزء عصر میانی مکه برشمرده و با سوگند آغاز شده‌اند.



۳. او آیات مرحله نخست مکه را به سبب سجع گونگی، قصار و کوتاه و داشتن سوگند به کاهنان ملحد و غیب‌گویان قبل از نزول قرآن مشابهت داده است. شایان ذکر است که شاید میان سبک بین این دو نوع سخن مشابهت باشد؛ اما تفاوت‌های بنیادین قرآن با کهنات را نباید نادیده گرفت؛ چراکه قرآن کریم مبنایی الهی دارد و نازل شده از جانب باری تعالی است، از این رو در آن هیچ گنگی و تکلف مشاهده نمی‌شود، بنابراین شباهت بین آیات قرآن و سخنان کاهنان از لحاظ وجود سجع و کوتاه بودن سخن، دلیل بر همسانی این دو نیست.

۴. او تاریخ وقایع ایام پیش از هجرت پیامبر از جمله سال نبوت پیامبر اکرم ﷺ را نامعین دانسته است، در حالی که در منابع اسلامی روایات بسیاری دال بر وقوع آن در ۲۷ رجب سیزده سال پیش از هجرت (برابر با ۶۰۹ میلادی) داریم. در برخی از این روایات حتی اعمال ویژه‌ای را برای آن روز سفارش کرده‌اند؛ چراکه آن روز را مبارک دانسته‌اند (ر.ک: کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۴۹/۴).

ج. دیدگاه جان رودول (John rodwell) و نقد آن

جان رودول در تنظیم دیدگاه خود در ترتیب آیات و سوره‌های قرآن کریم نظریه نولدکه را پذیرفته است؛ اما در موضوعی نیز اجتهاداتی انجام داده است. رودول چنین اظهار می‌دارد که پیامبر اسلام وحی قدیم پیشین را با وحی جدید پسین قرآن عمداً با یکدیگر درآمیخته است. البته نه با هدف خلق اسلوبی غیرعادی که جالب توجه هر جوینده حقی باشد؛ بلکه به این هدف که از میزان ناهمی برخی از عبارات که پیش‌تر نازل شده بود (Rodwell, . The Koran Dent, 1909, P 7).

در مقام نقد می‌توان این‌گونه پرداخت که این نظر مبنا و پایه درستی ندارد؛ زیرا چنین دیدگاه لازم‌اش پذیرش غیروحيانی بودن قرآن و دخل و تصرف رسول خدا ﷺ در آیات قرآن است که از اساس ادعای پوچ و سخن غیرعلمی است؛ زیرا به اتفاق همه دانشمندان مسلمان قرآن از جانب خداوند نازل شده است و هیچ‌گونه تحریفی در آیات قرآن روی نداده است و آیات قرآن طبق مستندات عقلی و نقلی متناسب با شرایط حاکم، نازل می‌شد.

د. دیدگاه رژی بلاشر (Regis Blachere) و نقد آن

رژی بلاشر همان دسته‌بندی پیشنهادی نولدکه را در ترتیب‌بندی سوره‌های قرآن کریم پذیرفته است و صرفاً چند ملاحظه را بدان می‌افزاید و تنها در چند نکته با ترتیب و طرح نولدکه تفاوت دارد (بل، درآمدی بر تاریخ قرآن، ۱۳۸۰، ۱۷۳). بلاشر نیز چون نولدکه، ویژگی‌های خاصی را برای هریک از مراحل وحی‌های مکی و مدنی در نظر گرفته که در ادامه مختصراً بدانها می‌پردازیم:



مرحله اول سوره‌های مکی

الف. شروع وحی در مکه با عبادت و دعا همراه بوده است، در نتیجه مسلمانان نخستین، به گردآوری سوری که شامل عبادات و ادعیه باشد نیازمند بوده‌اند.

ب. این دسته از آیات از منظر سبک، مشتمل بر شش تا ده هجا هستند.

ج. انتهای آیات از نوای موسیقایی بسیار زیبایی بهره می‌برد و غالباً دو یا سه آیه با سجع و برگردان خاتمه می‌یابد؛ مانند سوره «مرسلات». همچنین در سوره‌های بسیاری رازهای الهی درباره جهان مطرح می‌گردد، همچون کوه‌های مقدس، ستارگان و دیگر مظاهر هستی (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۷۲: ۶۸).

مرحله میانی سوره‌های مکی

در این مرحله بیست و دو سوره نازل گردیده که آغاز آن، سوره کهف و پایان آن، سوره نجم است. این سوره‌ها پرتفصیل و دارای تنوع در مطالب هستند. تمایز اعتقادی میان جامعه تازه‌تأسیس قرآنی با دیگر گروه‌ها کاملاً مشهود است که مشتمل بر اعتقاد به یگانگی خدا و ابدیت او است. پیامبر به این دلیل که از گفتگوی خود نتیجه بهتری بگیرد، به نقل داستان‌هایی می‌پردازد که در میان طایفه عرب شناخته شده بود.

در این مرحله از وحی، از لحاظ نگارشی، آیات به کاررفته در سوره‌ها طولانی‌تر هستند و از منظر هنجار کلی، برخلاف آیات مرحله قبل دارای جاذبه زیادی هستند. در مرحله میانی سوره‌های مکی، نیروی تخیل کمتر از واقع‌گرایی به چشم می‌خورد (همان: ۶۹).

مرحله پایانی سوره‌های مکی

بیست و دو سوره نیز به مرحله سوم اختصاص یافته که در واقع تکمیل‌کننده مرحله دوم است. لحن گفتگوی آیه‌ها، آهنگی اندرزگونه دارند. در این دوره، خطاب «ایها الناس» جایگزین دیگر کلمات شده؛ چراکه دامنه مخاطبان قرآن کریم از مکیان فراتر رفته و دیگر قبایل و مردم مدینه را نیز شامل گردیده است. در این دوره بارها به ناکامی‌ها و شکست‌های پیامبران قبلی اشاره شده است. قرآن در این مورد ترتیب تاریخی را رعایت کرده و همه پیامبران را مأمور هدایت مردم معرفی کرده است. مسئله قیامت و زندگی پس از مرگ در سومین مرحله وحی بیشتر از هر موضوعی به کرات در قرآن ذکر شده است (همان: ۷۰).



سورهای مدنی

آن دسته از آیاتی که در مدینه بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده‌اند، تعداد ۲۴ سوره را تشکیل داده‌اند. از هم‌گسیختگی مطالب به هم پیوسته، به وضوح مشهود است. در این سوره‌ها بارها ذکر شده که از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. شاهد آیاتی طولانی برای بیان دستورات فقه هستیم، علی‌رغم گذشته که آیات کوتاه، یکنواخت و مسجع این مسئولیت را به دوش کشیده‌اند. همچنین این دسته آیات در مواردی سرشار از تهدید به رنج و عذاب است. ویژگی بارز آیات این مرحله، با توجه به سبک و محتوای آنها، تعامل و گفتگوی بروز قرآن کریم در جهت حل مسائل روزمره مردم است که در گذشته مرسوم نبوده است. همچنین این آیات نظام اجتماعی نوینی پایه‌گذاری شد و جایگاه و مسئولیت زن و مرد از یکدیگر تفکیک گردید. برخلاف دیگر کتب مقدس، قرآن کریم به دنبال تاریخ‌نگاری وقایع گذشته نیست؛ بلکه هدف آن از مطرح کردن تاریخ، توجه به عبرت‌هایی است که می‌توان از آن به منظور تکامل جامعه و دین اسلام استفاده کرد (همان: ۷۱).

در مقام نقد بلاشر می‌توان این‌گونه گفت که:

سوگند و قسم در آیات و سوره‌های مکی بسیار قابل مشاهده است و چون مردم مکه غالباً سواد نداشتند و دامنه درک آنها به حیطه امور حسی محدود شده بود، بدین جهت به پدیده‌های حسی و طبیعی وجود سوگند یاد شده است؛ اما پس از مدتی (بعد هجرت) و برقراری ارتباط حضرت محمد ﷺ با مردم مدینه که جامعه‌ای روشن‌فکر بودند، سبب شد قرآن از محیط جدید تأثیر بگیرد و از آن ایمانی که بر پایه حس و سادگی بود، فاصله بگیرد.

این ادعای او از چند جهت دارای ایراد است:

۱. نخست اینکه سوگند خوردن به امور حسی، ناشی از انحطاط جامعه مکه نیست؛ بلکه به دلیل رعایت شرایطی است که سوگند برای آن یاد شده است.
۲. قرآن کریم در مسیر هدایتی خود و دعوت افراد به سمت عقاید توحیدی، به پدیده‌های هستی که همگی مخلوق خداوند هستند، سوگند یاد می‌کند و این موضوع در جهت آگاه، تنبیه، دعوت مردم به توحیدگرایی و به اندیشه و داشتن افراد مطرح شده است.
۳. مضمون سوگندهای قرآن به امور حسی و طبیعی، دارای اسراری است که آن را تأمل برانگیز ساخته است؛ به طوری که حکایت از رشد فکری و برتری مخاطبان در فهم و تیزهوشی و فصاحت بیان آنان دارد (زرقانی، مناهل العرفان، ۱۴۱۷ ق: ۱/۲۷۳).



نکته دیگر آنکه او گاه در تقسیم‌بندی خود خلاف نظر مشهور دانشمندان مسلمان و بر اساس حدس و گمان و مبانی خود دسته‌بندی آیات و سوره‌ها را انجام می‌دهد که این مسئله صحیح نیست. او حتی گاه از آن چیزی که میان خود مستشرقان نیز متداول بوده است، تخطی کرده که اغلب به خطا رفته است. بلاشهر این تفاوت را چنین تفسیر می‌کند که وی سوره‌هایی را که مشابهت موضوعی با یکدیگر دارند را در یک مجموعه قرار داده، در ادامه میان مجموعه‌هایی که با هم بیشترین هماهنگی را دارند - باتوجه به تطور رسالت حضرت محمد - توالی و ترتیب برقرار سازد (بدوی، دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان، ۱۳۸۳ ش: ۱۷۵).

چهارم. دسته‌بندی شش بخشی، پنج گروه مکی و یک گروه مدنی

در ادامه گونه پیشین که حسب تاریخ حیات پیامبر آیات را به چهار دسته تقسیم می‌کردند، عده‌ای چون ویلیام مویر (William Muir) حسب سیر تاریخی قرآن کریم، آیات و سوره‌های آن را در شش دسته طبقه‌بندی می‌کنند که در ادامه به تفصیل بدان پرداخته خواهد شد.

الف. دیدگاه ویلیام مویر و نقد آن

ویلیام مویر معتقد است که پس از ماجرای جمع قرآن کریم توسط عثمان، نسخه واحدی از مصحف عثمانی در سراسر بلاد اسلامی منتشر شد و در اینکه قرآن موجود امروزه، تماماً همان سخنانی است که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد، تردیدی نیست؛ اما تنها نقطه ضعف آن، مسئله سیاق و ساختار آیات و سوره‌های قرآنی است که تا حدی شکل خود را از دست داده و مطابق تاریخ نزول تنظیم نشده است. هرچند ممکن است برخی از قسمت‌های هر سوره با یکدیگر مرتبط باشند؛ اما ترتیب‌بندی سوره‌ها صرفاً بر اساس حجم آنها، از بیشترین به کمترین حجم، صورت پذیرفته است (Muir, The coran, its compoction and Theching, 1878, p41). او آیات و سوره‌های قرآن را در شش دسته طبقه‌بندی می‌کند:

طبقه اول: در این طبقه شاهد ۱۸ سوره هستیم: کوثر، انشراح، ضحی، بلد، فجر، فیل، لیل، انفطار، همزه، تکاثر، تین، قارعه، فاتحه، قریش، شمس، زلزله، عادیات، عصر. تمامی این سوره‌ها شورانگیز و کوتاه هستند تا حدی که برخی صرفاً از دو سطر تشکیل می‌شوند. از آن جهت که این دسته از سوره‌ها با ساختار عمومی آیات الهی شباهتی ندارند، احتمالاً پیش از مبعوث شدن پیامبر ﷺ نازل شده‌اند (ibid, P. 42).



اینکه مویر بدون ارائه هیچ شاهد یا استدلال قابل قبولی، این گونه ادعا کرده که این دسته از سوره‌ها از ساختار وحی الهی پیروی نمی‌کنند پس مربوط به ماقبل بعثت نبوی هستند، پذیرفتنی نیست (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۵: ۱۵۷). اساساً اینکه نازل شدن وحی قبل از بعثت را برای پیامبر ﷺ در نظر بگیریم، خلاف مشهور و مسلمات تاریخی است، لذا این بخش از نظریه او مردود است.

طبقه دوم: این طبقه به دوران آغازین بعثت رسول اکرم ﷺ مربوط می‌شود و شامل سوره‌های علق، ناس، مدثر و مسد است (muir, The coran, its compoction and Theching, 1878, P 43). او خلاف نظر مشهور دانشمندان مسلمان که دو سوره علق و ناس را جزو نخستین سوره‌های نازل می‌دانند، نزول این دو سوره را بسیار بعدتر از آغاز رسالت در نظر گرفته است که نادرست می‌نماید (ر.ک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۸: ۱/۱۲۷؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، بی تا: ۱/۱۰۶؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶: ۱/۶۹). البته اگر از در نظر گرفتن طبقه نخست صرف نظر کنیم، این ایده نادرست نیست؛ اما به سبب آنکه او پیش از نزول این دسته از سوره‌ها، تعداد دیگری سوره را در نظر گرفته به اشتباه رفته است.

طبقه سوم: از ابتدای دعوت علنی پیامبر تا هجرت برخی یاران ایشان به حبشه، این گروه از سوره‌ها نازل شدند: واقعه، الرحمن، ماعون، کافرون، معارج، قیامت، انسان، مرسلات، نبأ مطففین، بروج، نصر انشقاق، طارق، تکویر، عبس، قدر، غاشیه، اعلی. در این دسته از سوره‌ها توصیف رستاخیز، بهشت و دوزخ مذکور گردیده همچنین به دشمنی فزاینده قریش با اسلام نیز پرداخته شده است (muir, The coran, its compoction and Theching, 1878, P 43).

مویر در این طبقه از ۱۹ سوره یاد کرده است، باز هم بدون آنکه شاهد و یا استدلال قابل قبولی ارائه داده باشد؛ همچنین برای این ادعای خود که همه این‌ها به بازه رسالت علنی پیامبر ﷺ تا هجرت گروهی از یاران ایشان به حبشه مربوط هستند، تنها اشتراک آنها در تاریخ نزولشان این است که در محتوا به توصیف رستاخیز، بهشت و دوزخ می‌پردازند و ناظر به مخالفت فزاینده قریش با اسلام توصیفاتی دارند؛ در صورتی که در برخی از این سوره‌های هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها موجود نیست. برای مثال در سور قدر صرفاً به نزول قرآن در شب قدر و عظمت آن شب پرداخته شده است.

طبقه چهارم: از سال ششم تا دهم رسالت نبوی این سوره‌ها نازل شده‌اند: ذاریات، حجر، روم، شعراء، صافات، دخان، ق، جاثیه، نوح، طور، لقمان، فصلت، حاقه، قلم، سبأ، قمر، مزمل، زمر، نازعات.



طبقه پنجم: از سال دهم رسالت نبوی تا هجرت به مدینه این دسته از سوره‌ها نازل شدند: اعراف، عنکبوت، نحل، رعد، اسراء، انبیاء، حج، مومنون، قصص، تغابن، ابراهم، انعام، یونس، هود، یوسف، طه، زخرف، ص، غافر، فرقان، کهف، شوری، نمل، یس، فاطر، مریم، جن، احقاف، ناس و فلک (درخصوص دو مورد اخیر قطعیتی نداریم؛ ibid, P. 44).

میر سوره حج را در شمار سوره‌های مکی آورده است، حال آنکه مطابق روایات ترتیب نزول، این سوره مدنی است. نگارنده تفسیر المیزان درخصوص سوره حج ادعا کرده، از آن جهت که در این سوره به احکام شرعی همچون نماز، جهاد و حج پرداخته شده و همچنین سیاق آیات دال بر آن است که مؤمنان به تازگی قدرت و امکانات کسب کرده‌اند؛ می‌توان ادعا کرد که نزول آن به ابتدای دوران مدینه مربوط است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۲۶: ۳۳۸/۱۴).

طبقه ششم: طبقه ششم به سوره‌های مدنی اختصاص دارد و شامل سوره‌های بقره، آل عمران، مائده، بینه، انفال، محمد، جمعه، مائده، حشر، نساء، مجادله، طلاق، منافقون، نور، احزاب، حدید، ممتحنه، تحریم، حجرات، توبه است (muir, The coran, its compoction and Theching, 1878, P. 44-48).

در مقام نقد کلی نسبت به این اظهارات می‌توان گفت که تمایزات مطرح‌شده میان آیات مکی و مدنی قادر به تبیین مرز مشخصی میان این دو بخش از آیات نیستند؛ زیرا هرکدام از آیات و سوره‌های مکی و مدنی، تمام و یا حداقل بخشی از ویژگی‌های گروه مقابل خود را شامل می‌شود. علت این امر سبک قرآن کریم است که در آن هم‌بستگی در ساختار و انسجام در آیات نمایان است و همین پدیده موجب شده تا موجب حیرت همگان گردد (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

پنجم. دسته‌بندی بر اساس مضامین و محتوا

گروهی از خاورشناسان صرفاً مبتنی بر مضامین و محتوای متن قرآن کریم اقدام به دسته‌بندی آیات و سوره‌ها کرده‌اند. این روند هرچند در نوع خود درخور توجه است؛ اما خالی از اشکال نیست که در ادامه می‌آید.

الف. دیدگاه هرشفلد (Hartwig Hirschfield) و نقد آن

هرشفلد در کتاب «پژوهش‌های جدید در باره ترکیب و تفسیر قرآن» (New Researches into The Composition and Exegesis of the Quran) به‌هنگام بحث از تاریخ‌گذاری آیات و سوره‌های قرآن کریم، هم‌زمان دو روند را پیگیری می‌کند. او آیات مختلف را ذیل پنج دسته موضوع‌بندی می‌کند و پس از توضیح ویژگی‌های هر دسته درخصوص مکی یا مدنی بودن آن‌ها اظهار نظر می‌کند. پنج دسته موضوعی هرشفلد عبارتند از:

۱. سوره‌های اثباتی (مشمول بر سوره‌هایی که غالب محتوای آن تأکیدی و عقیدتی و اثبات با برهان‌هاست)؛
 ۲. سوره‌های موعظه‌ای؛
 ۳. سوره‌هایی که بر محور داستان هستند؛
 ۴. سوره‌های توصیفی (توصیفاتی راجب قیامت، بهشت و دوزخ دارند)؛
 ۵. سوره‌های تقنینی و تشریحی؛ سوره‌هایی که حاوی احکام و قوانین فقه و حقوقی هستند (Hirschfield, New Researches into The Composition and Exegesis of the Qoran, 1902, P. 33).
- باتوجه به اینکه در این نوشتار مجال پرداختن به ویژگی‌ها و آیات ذیل هر کدام از این دسته‌ها میسر نیست، از آن صرف نظر کرده و خلاصه‌وار انتقاداتی که بر تمامیت پژوهش هر شفلد شده، ذکر خواهد شد.
۱. او تصریح می‌کند که سوره علق که صرفاً حکم یک اعلامیه را دارد (Ibid, p33). این بدان معناست که این سوره جزو قرآن کریم نیست و تنها مفهوم آن اعلان نبوت و نزول وحی به پیامبر اکرم است؛ حال آنکه اجماع دانشمندان مسلمان خلاف این امر است (برای مثال ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۶: ۲۰/۳۲۲؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۲۵ ق: ۶/۳۹۳۵؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶: ۱/۱۶۸).
 ۲. هر شفلد در تقسیم‌بندی‌های خود کاملاً نسبت به همه اطلاعاتی که در میان مسلمانان در خصوص تعیین تاریخ نزول یک آیه یا سوره موجود هست، کافر شده و صرفاً بر اساس دانسته‌های تاریخی اجتماعی از وقایع عصر نزول و مفاهیم هر فقره از آیات درباره تاریخ آن اظهار نظر می‌کند. این حجم از بی‌توجهی نسبت به سنت تاریخی و تفسیری مسلمانان در پژوهشی که موضوع آن اصلی‌ترین کتاب مسلمانان است، مقبول نیست. علاوه بر آنکه او نسبت به سنت علمی مسلمانان بی‌اعتناست، در تعیین مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها نیز هیچ دلیلی ارائه نمی‌کند و صرفاً حسب برداشت خود اظهار نظر کرده و طبعاً در این مسیر از اشتباه مصون نمانده است.
 ۳. او که یهودی متعصبی است در اظهار نظرهای خود (مخصوصاً در دسته آیات و سوره‌های داستانی) در تلاش است تا اثبات کند که قرآن کریم متخذ از عهدین است؛ حال آنکه شاید شاهد شباهت‌های بسیاری میان مباحث قرآن کریم و کتاب مقدس باشیم؛ اما الزاماً این دلیل نمی‌شود که پیامبر از آن کتاب الهام گرفته و به بازگویی آنها پرداخته باشد.



ب. دیدگاه ریچارد بل (Richard bell) و نقد آن

ریچارد بل برای قرآن ترجمه‌ای شیوا همراه با توضیحات، در دو جلد به زبان انگلیسی ارائه داده است و در آن تلاش کرده است که به تجدید ترتیب و توالی قرآن کریم بپردازد. او در مقدمه این اثر (که بعدها به ترجمه ملحق شد) روش کار خود را توضیح می‌دهد و ترتیب نزول قرآن کریم را در سه مرحله خلاصه می‌کند:

یکم. مرحله آیات (نخستین مرحله نزول وحی مکی) و نقد آن

لفظ «آیات» در قرآن کریم با معنای «نشانه‌ها» بسیار به کار رفته است که مصادیق مختلفی دارد: نشانه‌هایی که عضوی از کتاب الهی‌اند، واقعه‌هایی که به تصدیق نبوت پیامبر اکرم مربوط است و رخدادهای طبیعی. آیه‌هایی که در آنها از این لفظ استفاده شده است در تمامی ۲۳ سال نبوت پیامبر اکرم نازل شده‌اند؛ اما هر دسته از آنها در موقعیت زمانی و مکانی خاصی نازل شده‌اند که روایات اسباب نزول می‌توانند در فهم این امر یاری‌رسان باشند. همچون ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ* وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (زاریات/۲۱-۲۰؛ Ibid, P.125).

ادعای بل در باب آیه ۲۱ سوره زاریات موجب جدایی آن از دیگر آیات قبل و بعدش است، درحالی‌که وحدت سیاق حکم می‌کند که در ادامه آیات قبل از خود نازل شده باشد. محمد عزت دروزه در خصوص این سوره ادعا کرده است که از چنان نظم و انسجامی برخوردار است که می‌توان نزول دفعی آن را فهمید (دروزه، التفسیر الحديث، ۱۴۲۱: ۳۳/۵).

این ادعای بل مبنی بر آیه‌هایی که در آنها لفظ «آیه/آیات» به کار رفته‌اند و پدیده‌های طبیعی را به‌عنوان نشانه‌های قدرت الهی معرفی می‌کنند، بخش مهمی از وحی اولیه را تشکیل می‌دهند نیز با مثال‌های نقض بسیاری قابل‌خنده‌اند؛ آیاتی چون بقره/۷۳، آل‌عمران/۱۹۰، رعد/۴-۳ و... هستند که در آنها یکی از این دو واژه به کار رفته است؛ اما هیچ‌کدامشان مربوط به وحی مکی نیست؛ بلکه همگی در مدینه نازل شده‌اند؛ درحالی‌که بر نشانه‌های طبیعی خداوند در جهان و عظمت او دلالت دارند.

دوم. مرحله «قرآن» و نقد آن

این مرحله تقریباً از زمان نزول حکم نماز آغاز شد که مصادف با آغاز نزول وحی (نه نبوت) است و این چنین پیام‌هایی را در بر دارد: توصیه به جمع و تدوین قرآن (مزمّل/۱-۸)، امر به قرائت کردن (علق/۱ الی ۵)، قیام کردن و هشدار دادن (مدثر/۱-۷) و... درواقع این عبارات خطاب به شخص پیامبر هست؛ اما نشان‌دهنده شیوه‌ای است که قرآن می‌بایست بر اساس آن تدوین شود.



مفهوم «قرآن» در دوره غزوه بدر تکمیل شده بود، در آیات پس از این دوره معنای این واژه عبارت است از مجموعه‌ای از خواندنی‌هایی که کامل شده‌اند، نه پیام‌های وحیانی که هنوز در حال نزول‌اند و تکمیل نشده‌اند؛ همچون آیات ۱۱۱ توبه و ۲۰ مزمل؛ در آیاتی چون آیه اول سوره قدر، اگرچه لفظ قرآن به کار نرفته است؛ اما از نزول چیزی اطلاع می‌دهد (Bell, Introduction to the Qur'ān, 1970, 140).

ریچارد بل آیات نخستین سوره علق را جزو وحی اواخر دوران مکی دانسته است، در حالی که از منظر تمامی دانشمندان مسلمان، این آیات نخستین آیاتی بوده که بر پیامبر نازل شده است، همچنین نظر او نسبت به سوره مدثر نیز نادرست است؛ چراکه این سوره بین دو سوره مزمل و مسد نازل شده و انسجام آیاتش حاکی از نزول دفعی آن است (دروزه، التفسیر الحدیث، ۱۴۲۱: ۱/۴۴۰).

سوم. مرحله «کتاب» و نقد آن

سومین دوره از نزول قرآن کریم، مربوط به فعالیت پیامبر اکرم ﷺ در مدینه است. در این ایام پیامبر اکرم ﷺ به تدوین قرآن به صورت مصحف همت نهاد. البته در مصحف امروزی قرآن هیچ‌یک از این سه مرحله را نمی‌توان به صورت مجزا یافت. عباراتی که لفظ «آیه/آیات» در آنها به کار رفته است، به تدریج در مجموعه امور شرعی و عبادی این مرحله گنجانده شدند و محفوظات پیشین مورد واکاوی قرار گرفته و بخشی از کتاب مدون را تشکیل دادند (Bell, Introduction to the Qur'ān, 1970, 148).

مهم‌ترین اشکالی که در فرضیه بل وجود دارد، این است که بین مرحله «قرآن» و مرحله «کتاب» بدون ارائه شاهد و استدلال موجه تفاوت در نظر گرفته است؛ حال آنکه در آیات مختلف، لفظ «قرآن» معادل با «کتاب» به کار رفته است؛ مانند آیه اول سوره فصلت؛ بنابراین اولاً: ریچارد بل این پیش‌فرض خود را اثبات نکرده که کاربرد واژه «قرآن» الزاماً قبل از لفظ «کتاب» بوده است. ثانیاً: در بسیاری از آیه‌ها کاربرد واژه «کتاب» را مشاهده می‌کنیم، به گونه‌ای که منظور آن صرفاً شریعت آسمانی است، بدون اینکه لزوماً معنای نوشته در آن در نظر گرفته شود؛ البته معنای لغوی کتاب معادل «نوشته، نامه و نگارش» است؛ در حالی که کاربردهای قرآنی این واژه بسیار کثیر و متفاوت است (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۵: ۱۴۹).



۳. نتیجه

۱. رویه دانشمندان مسلمان در طول تاریخ در خصوص تعیین مکی و مدنی بودن آیات اتکای بر روایات اسلامی داشته است؛ اما در مقابل خاورشناسان نگرشی دیگر داشته‌اند؛ بدین معنا که از اطلاعات تاریخی برای هدف خود استفاده کرده‌اند، البته ممکن است برخی از ایشان همین روایات را به‌عنوان یک داده تاریخی پذیرفته باشند؛ اما بسیاری از آنها نسبت به روایات اسلامی بی‌اعتنا بوده و به سایر داده‌ها مراجعت کرده‌اند.

۲. پس از بررسی و نقد دیدگاه خاورشناسان نسبت به مسئله مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌های قرآن کریم شاهد آن بودیم که نظرات ایشان را در پنج دسته می‌توان گونه‌شناسی کرد:
(۱) تقسیم دوگانه مکی و مدنی: نظر عموم دانشمندان مسلمان و ایگناس گلدستیه؛
(۲) دسته‌بندی سه‌گانه، دو گروه مکی و یک گروه مدنی: هنری لامنس و آنگلیکا نویورت؛
(۳) دسته‌بندی چهاربخشی، سه گروه مکی و یک گروه مدنی: گوستاو وایل، تئودور نولدکه، جان رودولف و رژی بلاشر؛

(۴) دسته‌بندی شش‌بخشی، پنج گروه مکی و یک گروه مدنی: ویلیام مویر؛
(۵) دسته‌بندی بر اساس مضامین و محتوا: ریچارد بل و هرشفلد.

۳. نکته درخور توجه آنکه علی‌رغم تفاوت‌های بسیار در دسته‌بندی آیات بخش مکی، از یک‌بخش تا پنج‌بخش، خاورشناسان در یگانگی آیات و سوره‌های مدنی اختلافی نداشتند و همگی ایشان بخش مدنی را صرفاً یک گروه در نظر گرفته‌اند.

۴. در تقسیمات چهارگانه شاهد نقش کلیدی تئودور نولدکه بر دیگر خاورشناسان هستیم، البته نولدکه در دیگر گروه‌ها نیز اثرگذار بوده و اساساً شخصیتی کلیدی در موضوع مکی و مدنی میان خاورشناسان است.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات بین‌المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. اسکندرلو، محمدجواد، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ ش.
۳. بدوی، عبدالرحمن، دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان، ترجمه: حسین سیدی، مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۳.
۴. بل، ریچارد، درآمدی بر تاریخ قرآن، با بازنگری و بازنگاری مونتگمری وات، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: امیرکبیر ۱۳۸۰ ش.
۵. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه: محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ ش.
۶. حکیم، سیدمحمدباقر، علوم القرآن، طهران: المجمع العلمي الاسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۷. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث، قاهره: دارالغرب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ هـ.
۸. زرقانی، محمد عبدالعزیم، مناہل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی، دوم، ۱۴۱۷ ق.
۹. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیہ، ۱۳۷۶ ق.
۱۰. سیدقطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، نوزدهم، ۱۴۲۵ ق.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، انتشارات شریف رضی، بی‌تا.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالهجره، ۱۴۲۶.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. گلدتسیهر، ایگناس، العقیدة و الشریعة فی الاسلام، بیروت: داراسراء، ۱۹۴۶ م.
۱۵. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران: سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. ———، التمهید فی علوم القرآن، قم، انتشارات التمهید، ۱۳۸۸.



17. Weill, Gustave, Historisch-kritische Einleitung in dem Koran, Bielefeld: Velhagen.1 ed, 1844.
18. Hartwig Hirschfield, New Researches into The Composition and Exegesis of the Qoran, London, royal, asiatis society, 1902.
19. Lammens, hanry. Lislam, croyances et institution, 3em edi Beyrouth, 1943.
20. Neuwirth. Angelika, "Sura" in j. d. McAuliffe(ed), 5 vols. Encyclopaedia of the quran. (leiden: Brill, 2001-6), vol. 5.
21. Noldeke, Theodor, the koran, the origins of the koran, edited by ibn warraq, 1998.
22. Bell, Richard, Introduction to the Qur'ān, Edit by: William Montgomery Watt, Edinburgh. University Press Series, 1970.
23. Rodwell, j. m. The Koran Dent, Iondon, royal, asiatis society, 1909.
24. Muir, William, The coran, its compoction and Theching, London, cociety for Romoting Christian Knowledg, 1878.



Resources:

Quran Karim (Translation of the Holy Quran): Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Scholars from Al-Mustafa International University, Published by Al-Mustafa International University Publications, Qom. 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).

1. Bedawi, Abdul Rahman, *Difaa' az Quran dar Barabar_e Ara_ye Khavreshenasan (Defense of the Quran Against Orientalist Theories)*, Translated by Hussein Seyyedi. Mashhad: Besharat Publications, 1383 SH (2004 CE).
2. Bell, Richard, *Dar_amadi bar Tarikh_e Quran (An Introduction to the History of the Quran)*, Revised and Reconsidered by Montgomery Watt. Translated by Bahauddin Khorramshahi. Tehran: Amir Kabir, 1380 SH (2001 CE).
3. Bell, Richard, *Introduction to the Qur'ān*, Edit by: William Montgomery Watt, Edinburgh. University Press Series, 1970.
4. Blachère, Régis, *Dar Astan_e Quran (On the Threshold of the Quran)*, Translated by Mahmoud Ramyar. Tehran: Office for Islamic Culture Publications, 5th Edition, 1376 SH (1997 CE).
5. Daroza, Muhammad Azzah, *Al-Tafsir al-Hadith (Modern Exegesis)*, Cairo: Dar al-Gharb al-Islami, 2nd Edition, 1421 AH (2000 CE).
6. Eskandarloo, Mohammad Javad, *Mastesharqan va Tarikhgozari_ye Quran (Orientalists and Quranic Historiography)*, Qom: Pajoohesh_ha_ye Tafsir va Oloom_e Quran (Studies in Interpretation and Quranic Sciences), 1385 SH (2006 CE).
7. Goldziher, Ignaz, *Al-'Aqida wa al-Shar'a fi al-Islam (The Creed and Law in Islam)*, Beirut: Dar Asra, 1946 CE.



8. Hakim, Seyyed Mohammad Baqir, *Ulum-e al-Quran (Sciences of the Quran)*, Tehran: Islamic Research Institute, 1403 AH (1983 CE).
9. Hartwig Hirschfield, *New Researeches into The Composition and Exegesis of the Qoran*, London, Royal, Asiatis society, 1902.
10. Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq, *Al-Kafi (The Sufficient)*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah, 4th Edition, 1407 AH (1986 CE).
11. Lammens, hanry. *Lislam, croyances et institution*, 3em edi Beyrouth, 1943.
12. Ma'rifat, Muhammad Hadi, *Al-Tamhid fi Ulum al-Quran (Introduction to the Sciences of the Quran)*, Qom: Tamhid Publications, 1388 SH (2009 CE).
13. Ma'rifat, Muhammad Hadi, *Tarikh.e Quran (History of the Quran)*, Tehran: SAMT Publications, 8th Edition, 1385 SH (2006 CE).
14. Muir, William, *The Coran; Its Compoction and Theching*, London, Society for Promoting Christian Knowledge, 1878.
15. Neuwirth. Angelika, *Sura in j. d. McAuliffe(ed)*, 5 vols. Encyclopaedia of the Quran. (Leiden: Brill, 2001_6), vol. 5.
16. Noldeke, Theodor, *The Koran, the Origins of the Koran*, edited by ibn warraq, 1998.
17. Rodwell, j. m. *The Koran Dent*, London, Royal, Asiatis Society, 1909.
18. Sayyid Qutb, *Fi Zhilal al-Quran (In the Shades of the Quran)*, Beirut: Dar al-Shorouk, 19th Edition, 1425 AH (2005 CE).
19. Suyuti, Abdul Rahman, *Al-Itqan fi Ulum al-Quran (The Perfection in the Sciences of the Quran)*, Edited by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim. Beirut: Sharif Radhi Publications, n.d.



20. Tabatabai, Mohammad Hussein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar al-Hijrah, 1426 AH (2005 CE).
21. Weill, Gustave, *Historisch-kritische Einleitung in dem Koran*, Bielefeld: Velhagen.1 ed, 1844.
22. Zorkashi, Muhammad ibn Abdullah, *Al-Burhan fi Ulum al-Quran (The Proof in the Sciences of the Quran)*, Edited by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1376 AH (1956 CE).
23. Zorqani, Muhammad Abdul Azim, *Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran (Springs of Knowledge in the Sciences of the Quran)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 2nd Edition, 1417 AH (1996 CE).